

Foresight relationship in curriculum with students creativity

Maryam Taghvaei yazdi

Department of educational management, sari branch, Islamic
Azad ,sari.iran.

رابطه آینده‌نگری در برنامه درسی با خلاقیت دانشجویان

مریم تقوایی یزدی*

گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

Abstract

The main objective of this study was to investigate the relationship between foresight relationships in curriculum with the creativity of the students of Sari University in 1394. The method of this descriptive study was survey correlation. The statistical population of this research includes all students of the Faculty of Humanities of this unit, which includes 4206 people. A sample of 343 students from the Faculty of Humanities was studied by stratified random sampling method. The data collection tool was a standard questionnaire and a researcher-made questionnaire. Validity of the questionnaire was verified by several experts and educational experts and its reliability was calculated by Cronbach's Alpha method for the Torrance Creativity Questionnaire (0,905) (1992) and the foresight in curriculum Questionnaire (0,890). To describe the data, frequency distribution, percentage frequency, cumulative frequency, graphs, as well as central inclination and dispersion index including mean, mean, and standard deviation were used and for analyzing, interpreting and generalizing the results of the research into society, Inferential statistics including parametric tests (independent t-test and ANOVA) and non-parametric test (Spearman coefficient) were used with SPSS software version 16. According to the results of statistical tests, there was a positive and significant relationship between each component of "innovation, transformation, management, transformation and productivity" with "creativity". There was also a positive and significant relationship between students' "creativity" and "foresight".

Keywords: Foresight, curriculum and creativity.

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه آینده‌نگری در مؤلفه‌های برنامه درسی (نوآوری، تحول‌پذیری، مدیریت، تحول‌آفرینی و بهره‌وری) با خلاقیت دانشجویان دانشگاه آزاد ساری در سال ۱۳۹۴ بوده است. روش پژوهش حاضر توصیفی، همبستگی بود. جامعه آماری این تحقیق شامل همه دانشجویان دانشکده علوم انسانی این واحد که شامل ۴۲۰۶ نفر است، است. نمونه آماری این پژوهش تعداد ۳۴۳ نفر از دانشجویان دانشکده علوم انسانی بود که به روش تصادفی طبقه‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها یک پرسشنامه استاندارد و یک پرسشنامه محقق ساخته بوده است. روایی پرسشنامه توسط چند تن از کارشناسان و متخصصین علوم تربیتی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ برای پرسشنامه خلاقیت تورنس ۱۹۹۲ (۰/۹۰۵) و پرسشنامه آینده‌نگری در برنامه درسی (۰/۸۹۰) محاسبه شده است. برای توصیف داده‌ها از توزیع فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی، نمودارها و نیز شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکنندگی شامل نما، میانه، میانگین و انحراف معیار استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل، تفسیر و تعمیم نتایج تحقیق به جامعه، از آمار استنباطی شامل: آزمون‌های پارامتریک (تی مستقل و آنوا) و نیز آزمون ناپارامتریک (ضریب اسپیرمن) با نرم‌افزار SPSS₁₆ استفاده شده است. بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، بین مؤلفه‌های «نوآوری، تحول‌پذیری، مدیریت، تحول‌آفرینی و بهره‌وری» که توسط آلون و هیدی تافلر (۱۹۶۷) در مجله آینده‌شناسی و جامعه آینده جهانی اشاره گردید و توسط کورنیش و همسرش پایه‌ریزی شد با متغیر «خلاقیت» رابطه مثبت و معنادار مشاهده گردید. همچنین بین «خلاقیت» و «آینده‌نگری» دانشجویان نیز رابطه مثبت و معنادار دیده شد.

واژه‌های کلیدی: آینده‌نگری، برنامه درسی، خلاقیت.

* نویسنده مسئول: m_taghvaeeyazdi@yahoo.com

مقدمه

نگاه کلان به جهان امروز و بازیگران اصلی آن، حاکی از وجود مؤسسات تأثیرگذار آینده‌پژوهی^۱ و آینده‌نگری در مراکز قدرت و تصمیم‌گیری قدرت‌های بزرگ و توسعه‌یافته جهان است. چه‌بسا رویکرد آینده‌نگارانه آنان به مسائل جهان و برنامه‌ریزی برای آینده ریشه‌های تسلط آنان را بر جهان آینده بیش‌ازپیش مستحکم‌تر می‌کند. مشکلات کنونی جوامع ناشی از عدم شناخت هوشمندانه آینده بوده، بر همین اساس، شناخت تحولات آینده با رویکرد آینده‌نگری ضروری است، لذا تفکر در مورد آینده از دغدغه‌های انسان بوده است. آینده پیچیده، نوعی برنامه درسی را طلب می‌کند که بتواند متناسب و منعطف با این پیچیدگی‌ها پاسخگوی نیازهای انسان باشد. برای پاسخگویی به این مهم نیازمند ابزاری هستیم که این پیچیدگی‌ها را تسهیل نماید، در این راه آموزش بهترین ابزار است. آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می‌یابد و از جمله الزامات برنامه درسی پاسخ‌گویی به نیازهای پرشتاب آینده است (Aghae, 2011). آینده‌نگری یک تفکر استراتژیک است که فراگیران می‌توانند از طریق مباحث برنامه درسی آینده‌نگر آن را یاد گرفته و حال را به آینده پیوند بزنند. آموزش و پرورش نیازمند نگرش جدی به آموزش آینده‌نگری به‌منظور تلاش در زمینه ساختن آینده مطلوب است، علاوه بر این انتظار جامعه در خصوص تربیت نیروی انسانی آینده‌گر، ضرورت توجه به مسائل آینده را در برنامه درسی نظام آموزشی دوچندان می‌کند. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌های تعلیم آینده جزئی از برنامه‌های آموزش دانش‌آموزان گردیده است (Cornish, 1997). امروزه مأموریت و تلاش عمده برنامه‌ریزی در کشورهای توسعه‌یافته علاوه بر توجه جدی به چالش‌های کنونی و ارائه رهیافت‌های مقطعی، تفکر در خصوص چالش‌های آینده و نحوه مواجهه و قدرت‌یابی در آن عرصه‌هاست. برنامه‌ریزی هم‌اکنون با ارتقاء نقش خود به دنبال تسخیر آینده با

اندیشه ایفای نقش جدی و سهم‌خواهی از آن است (Samkhanian, 2009). آموزش باید متوجه آینده باشد و به چشم‌اندازهای آینده بنگرد، زیرا اگر آینده را نشناسیم و نتوانیم آن را تعریف یا ترسیم نماییم چگونه می‌توانیم ورودی‌های جدید سازمان را برای دنیای ناشناخته فردا تربیت کرده و آماده سازیم؟ از این‌رو، از بااهمیت‌ترین مبانی برنامه درسی، پیش‌بینی و آینده‌نگری وقایع و فعالیت سازمان‌هاست (Hamidzadeh, 2008, 16).

با در نظر گرفتن مطالب گفته شده و با توجه به پیشرفت روزافزون دانش و فناوری و جریان گسترده اطلاعات امروزه جامعه ما نیازمند پرورش انسان‌هایی است که بتواند با مغزی خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آن بپردازند و با این رویکرد نیاز به آموزش و تقویت خلاقیت و خلق افکار نو برای رسیدن به جامعه‌ای شکوفا از اهمیت خاصی برخوردار است (Heidari, 2009).

این نکته را باید در نظر داشت که باید منابع انسانی سازمان که عمده‌ترین منبع توسعه نوآوری در سازمان می‌باشند؛ در کلیه سطوح به این باور برسند که اصولاً بقای سازمان در دنیای رقابتی و بازارهای پیچیده داخلی و بین‌المللی امروز؛ منوط به خلاقیت و نوآوری همگانی بوده و همه نیروها باید در جهت ایجاد نوآوری و خلاقیت در سازمان فعالیت نمایند. برای ایجاد و تداوم نوآوری و شکوفایی در سازمان باید عادت به تفکر را در افراد ایجاد کرد؛ چراکه خلاقیت با تفکر به وجود می‌آید و ارزش تفکر به قدری زیاد است که در تعالیم اسلامی ارزش یک ساعت تفکر، بر هفتادسال عبادت بدنی بدون تفکر برتری داده شده است (Fathi Vajargah, 2008).

سرعت و شتاب زندگی و پدید آمدن تحولات شگفت‌انگیز از ویژگی‌های عصر حاضر است و هر لحظه اتفاقی در حال وقوع است و این اتفاقات همچون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر متصل بوده و از دل زمان خارج می‌شوند. تولید علم و دانش چنان سرعتی به خود

فرضیه‌ها، بازنگری و بازآزمایی آن‌ها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران (Saif, 2007, 32). در تعریفی دیگر "خلاقیت" بازی با تخیل و امکانات است که در عین تعامل با عقاید، افراد و محیط، منجر به ارتباط و نتایج جدید معنادار می‌شود (Mirza Aghafishani, 1998, 17).

در خصوص ضرورت ایجاد تحول‌پذیری در برنامه‌درسی نظام آموزشی باید اذعان داشت که از بدو تأسیس جوامع و پیدایش خط، همواره تعلیم و تربیت یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری بوده است. نظام آموزش و پرورش به موازات نقش و مأموریتی که در توسعه آموزشی و علمی ایفاء می‌کند در بخش‌های تربیتی، اعتقادی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، زیستی، سیاسی و هنری نیز تأثیرگذار و تعیین‌کننده است. آینده هر کشور و سرنوشت هر ملتی، بستگی مستقیم به کیفیت تعلیم و تربیت و چگونگی تأثیرگذاری نظام آموزشی آن کشور دارد. تربیت منابع انسانی و شکوفایی استعدادها و آماده‌سازی نسل جوان برای کسب مهارت‌های زندگی از اهم وظایف و مأموریت‌های نظام آموزشی به شمار می‌آید (Molamohseni, 2012).

نظام آموزشی کشور در شرایط کنونی با ضعف‌های ساختاری، مدیریتی، نظارتی و اقتصادی زیادی مواجه است که ضرورت انجام اصلاحات و ایجاد تحول را در نظام آموزشی کشور اجتناب‌ناپذیر نموده است. ارتقاء کیفیت نظام آموزشی بر اساس نیازها و اولویت‌های کشور در چهار حوزه دانش، مهارت، تربیت و افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان از اهم جهت‌گیری‌های کلان در مقطع کنونی به شمار می‌آید. برنامه‌های آموزشی و درسی نظام آموزشی کشور نیازمند تحول است. تحولی که آموزش را از اتکای افراطی به حفظ محوری رهایی بخشد و به پرورش و تربیت بیش از گذشته توجه کند و آینده‌سازان کشور را به سوی تفکر، تعقل، تحقیق، خلاقیت و نوآوری سوق دهد و شکوفایی استعدادها، تعمیق روحیه نقد و بررسی،

گرفته است که بارانی از اطلاعات بر روی سر انسان‌ها در حال فروریختن است (Fadaeezadeh, 2010). تغییرات فناوری و به دنبال آن تغییر در دیگر جنبه‌های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی‌شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر لزوم درک بهتر تغییرات و آینده را برای دولت‌ها، کسب‌وکارها، سازمان‌ها و مردم ایجاد می‌کند (Khazaei, 2008, 4). ظهور هر فناوری، فرایند، فن یا دانشی برآمده از نگاه تازه‌ای است که بر جهان وارد شده است. به این ترتیب هر نگاه جدیدی با خود مجموعه‌ای از مفاهیم، ابزارها و اهداف جدیدی را می‌آورد. درواقع آینده‌نگری تلاشی نظام‌مند برای نگاه به آینده‌ای بلندمدت در حوزه‌های دانش، فناوری، اقتصاد، محیط‌زیست و جامعه است. به عبارتی آینده‌نگری یعنی به کار بردن منابع موجود به بهترین وجه ممکن در راستای ارزش‌ها (Goygan, 2007, 86).

آینده‌نگری و برنامه‌ریزی به‌طور مؤثر و بهترین شیوه، در یکدیگر ادغام می‌شوند و مناسبات این دو پدیده به‌خصوص از مرحله آینده‌نگری به برنامه‌ریزی، به علت بالا بردن کیفیت برنامه‌ریزی، اهمیت فراوانی دارد. روی هم‌رفته آینده‌نگری یک الزام برای برنامه‌ریزان و پایه‌ای است برای برنامه‌ریزی و کنترل و همچنین انسان موجودی است آینده‌نگر، تفکر و کنجکاوی درباره آینده، یار دیرین بشر اندیشمند بوده است. لذا آینده‌نگری به هر شکل و صورت به موازات تمدن انسان قدمت دارد (Mo'ayyeri, 2006). سود حاصل از آینده‌نگری می‌تواند با توفیقی که برنامه‌ریزان در اجتناب از بحران‌ها و بیگانگی بیش از حد از رویدادهای آینده کسب می‌نمایند ارزیابی شود (Fiuzat, 2011, 49). به عقیده تورنس^۱ (۲۰۰۹) "تفکر خلاق" عبارت است از فرایند حس کردن مسائل و رفع کاستی‌ها، ارزیابی و آزمودن

شاهد ظهور جوانانی خلاق در آینده باشیم و با افتخار از جوانان سالم و خلاق به‌عنوان ثروت‌های ملی کشور خود یاد کنیم (Mehrmohammadi, 2004).

ضرغامی و همکاران (Zarghami et al, 2013) در پژوهشی تحت عنوان بررسی ارتباط بین میزان خلاقیت و انگیزه افراد برای نوآوری در سازمان‌های پژوهشی به نتایجی دست یافتند. این نتایج حاکی از آن است که ارتباط معنادار قوی و مثبتی بین میزان خلاقیت افراد و انگیزه آن‌ها برای نوآوری در سازمان‌ها وجود دارد. در پایان نیز راهکارهایی برای ارتقاء توانمندی خلاقیت پژوهش‌گران، ارتقاء انگیزه آن‌ها برای استفاده از نوآوری در محیط کاری و بهبود روند نوآوری در پژوهشکده و سایر مراکز مشابه ارائه شده است. رشیدی و شهرآرای (Rashidi & Shahrara, 2011) با هدف بررسی رابطه بین میزان خلاقیت و انجام پروژه‌های نوآورانه در سازمان‌های آموزشی شهرستان نیریز انجام شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ارتباط معناداری بین سن افراد و میزان خلاقیت وجود ندارد؛ بنابراین همبستگی معناداری بین سن افراد و میزان خلاقیت در آن‌ها وجود ندارد. همچنین وجود همبستگی معنادار منفی بین جنسیت افراد و میزان خلاقیت آن‌ها مورد تأیید واقع شده بود. تابلی و تیرگر (Tabli & Tirgar, 2011) با هدف بررسی رابطه بین مدیریت و میزان خلاقیت کارکنان در سازمان‌های دولتی شهرستان نیریز انجام شده است. نتایج اصلی این پژوهش نشان داده است که بین نوع مدیریت MLQ و میزان خلاقیت کارکنان رابطه معناداری وجود دارد و سبک‌های مدیریت شامل نفوذ آرمانی، رفتارهای آرمانی، انگیزش الهام‌بخش، ترغیب ذهنی و ملاحظات فردی است که رابطه معنادار و مستقیمی با خلاقیت افراد در سازمان‌ها دارد. حسینی نسب و همکاران (Hoseini Nasab et al, 2009) با عنوان بررسی رابطه مؤلفه‌های جمعیت‌شناسی و خلاقیت دانشجویان در دانشگاه یزد انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که بین دانشجویان دختر و پسر

ارتقاء خودباوری و اعتمادبه‌نفس و کسب مهارت‌های آموزشی، زیستی و فنی و حرفه‌ای را در نسل جوان بارور و نهادینه کند (Hamidzadeh & Fathi, 2008). با این فرضیات می‌توان دریافت که تفکرات خلاق زمانی تولید می‌شود که شخص پیش‌فرض‌ها را کنار گذاشته و یک دیدگاه جدیدی را جستجو کند که دیگران به آن نپرداخته‌اند.

دانش آینده‌نگری نشانگر حساسیت و تمایل بشر به درک و پیش‌بینی رویدادهای آینده است. او علم آینده‌نگری، ادبیات پراکنده و غیرمستقیم در خصوص برنامه‌ریزی برای آینده را به علم مدون تبدیل کرد که وظیفه آن علاوه بر تحلیل روندهای گذشته، کشف، ابداع و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است. امروزه در جهان پر اثر تحول معاصر، مدیران و برنامه‌ریزان آگاه و آینده‌نگر به‌جای انتظار برای استقبال از آینده در محیط کارشان و اتخاذ تصمیم در هنگام رویارویی با آینده، تفکر برنامه‌ریزی خود را با ماشین زمان تابلوگذاری و سیاست‌های رسیده به آن آینده مطلوب را ترسیم می‌کنند (Fathi Vajargah, 2008). افراد خلاق نه تنها می‌کوشند امور در حال رخ دادن را بفهمند، بلکه می‌کوشند اموری را که شاید رخ دهد یا بالقوه امکان رخ دادن دارد و یا در شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد، نیز بشناسند. افراد با بهره بردن از این شناخت موقعیت کنونی خود را تشخیص داده، کارهایشان را دنبال کرده و از بسته زمان و فضای مادی و اجتماعی می‌گذرند (Fadaeezadeh, 2010). با این اوصاف حضور عاقلانه در روند تحولات آینده، کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌ها و گزینه‌ها نیازمند برنامه‌ریزی با رویکردی آینده‌نگارانه برای تربیت نسلی هستیم تا در برخورد با سختی‌ها خلاقانه بیندیشد بر مشکلات غلبه نماید و در هر جایگاه و مسئولیتی که قرار دارند به‌جای آنکه منتظر باشند کسی به یاری آنان بشتابد، خود با اراده و سخت‌کوشی به سازندگی بپردازند. باید یک برنامه‌ریزی جامع صورت گیرد تا

نشان داد که رابطه مثبتی بین مدیریت و نوآوری در سازمان وجود دارد. همچنین رابطه مثبت و معناداری بین سبک مدیریت و سطح خلاقیت افراد وجود دارد. نتایج تحقیقات هیکسون و بالتیمور (Hickson & Baltimor, 2010) نشان داد که بین زن و مرد از لحاظ سبک‌های یادگیری تفاوت وجود دارد و مردان بیشتر به تجربه عینی تمایل دارند، درحالی‌که زنان عموماً تأملی‌تر عمل می‌کنند. همچنین بررسی‌ها حاکی از آن بود که جنسیت هیچ‌گونه تأثیری بر خلاقیت نداشته است و نیز برابری خلاقیت دانشجویان دختر و پسر رد می‌شود، یعنی بین خلاقیت دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.

تغییر و تحول جوامع بر روی آینده افراد و نگرش آنان نسبت به آینده تأثیر می‌گذارد. درواقع نگرش نسبت به آینده بخشی از یک مفهوم چندوجهی است که انتظارات افراد، دغدغه‌ها و جهت‌گیری آنان نسبت به آینده را در برمی‌گیرد. بر این اساس آینده‌شناسی به معنای کشف یا ابداع، واری، ارزیابی و پیشنهاد آینده‌هایی است که می‌توانند واقع شوند (آینده‌های ممکن) و یا احتمال وقوع آن‌ها وجود دارد (آینده‌های احتمالی) و یا باید واقع شوند (آینده‌های مطلوب). در سایه آینده‌شناسی قوت‌ها، ضعف‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها بهتر شناسایی می‌شود و امکان استفاده بهینه از منابع و فرصت‌ها فراهم می‌گردد و در پیش‌بینی حوادث و اتفاقات مؤثر است. هر سیستمی در هر سطحی که چشم‌انداز و آینده‌ای را برای خود ترسیم نکند در مواجهه با چالش‌ها رویکردی منفعلانه دارد و هر بادی برای کشتی آن مساعد نیست، لذا دچار "تغییر هراسی" و "آینده هراسی" خواهد شد (Kaya et al, 2014).

بنابراین آگاهی ما نسبت به آینده، بر تصورات و باورهای ما نسبت به آینده یا حتی در پیش‌بینی آینده افراد و روابطشان تأثیر می‌گذارد. درواقع نگرش افراد نسبت به آینده با احساسات ذهنی آنان نسبت به رفاه شخصی‌شان بسیار مرتبط است. احساسات ذهنی خوب

در به‌کارگیری خلاقیت تفاوت معناداری وجود نداشته است. بین میزان خلاقیت و سن دانشجویان رابطه معناداری وجود نداشته است. در پژوهشی که توسط برایتز (Bereter, 2011) تحت عنوان «آینده‌نگری و مفاهیم برنامه درسی» انجام شده است، از آموزش مهارت‌های تفکر خلاق در برنامه درسی حمایت شد. همچنین وی بیان داشت که مهارت‌های استدلال کردن، تولید اندیشه، فرضیه‌سازی، تفکر نقاد باید در کانون اصلی توجه آموزش و پرورش قرار گیرد و در این رابطه رشد مهارت‌های شناختی و لزوم گنجاندن آن‌ها در برنامه درسی در بسیاری از مطالعات، مورد تأکید قرار گرفته است. نیو و رنزولی (Renzuli & Reis Niu, 2010) تحقیقی تحت عنوان بررسی تأثیرات محیطی و فردی بر خلاقیت دانشجویان را انجام دادند. در این پژوهش که بر اساس مدل روی آورد التقاطی (بررسی عوامل فردی نظیر هوش، شخصیت، انگیزش و سبک‌های تفکر دانش) و عوامل محیطی (محیط مدرسه و دانشگاه، محیط خانواده و جامعه) انجام گرفت. نتایج حاکی از آن است که هم عوامل محیطی و هم عوامل فردی نقش قطعی در خلاقیت دانش‌آموزان ایفاء می‌کنند. به‌طور کلی این پژوهش نشان داد که تأثیر محیطی و سازوکارهای مربوط به آن نقش غیرقابل‌انکاری در شکل‌گیری خلاقیت افراد دارد. مک‌سونمی (Make.Sonmi, 2010) در پژوهشی به بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی اکتشافی بر روی دانشجویان پرداخت. تحلیل نتایج حاصل نشان می‌دهد که یادگیری فعال، انتخاب برنامه درسی دانشگاه‌ها توسط خود دانشجویان، دسترسی به منابع مختلف علمی، اکتشاف خود ارزشیابی، پیدا کردن مسئله و حل مسئله که از عناصر برنامه آموزشی اکتشافی می‌باشند به‌طور معناداری باعث افزایش خلاقیت دانشجویان گردیده است. گارسیا و مورالز (Garsia & Muralz, 2010) تأثیر مدیریت در برنامه درسی بر روی نوآوری و عملکرد سازمان‌های آموزشی بررسی کردند که یافته‌ها

با در نظر گرفتن موارد ذکر شده و با توجه به اینکه در عصر حاضر سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی برای دستیابی به منابع قدرت، حائز اهمیت است و دانشجویان با داشتن خلاقیت و ابتکار عمل بالا، از منابع دستیابی به این قدرت به شمار می‌روند و به دلیل نقش سازنده‌ای که تفکر خلاق در شکل‌دهی و خلق یک نگاه جدید به آینده دارد؛ هدف پژوهش‌گر بررسی رابطه آینده‌نگری در برنامه درسی بر خلاقیت دانشجویان است و با این امید که یافته‌های این پژوهش راهکاری باشد برای اینکه محیط و برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها به گونه‌ای طرح‌ریزی گردد تا مانعی برای رشد و شکوفایی استعداد و خلاقیت دانشجویان نگشته و بتواند چراغ راهی برای آنان در مسیر ساختن آینده‌ای روشن‌تر باشد، آینده‌ای که در آن جوانان ما در رقابت با جوانان دیگر ملل دچار شکست نشده و شاهد از دست دادن اعتماد به نفس و افتادن آنان در دام آسیب‌های اجتماعی نباشیم؛ بنابراین پژوهش‌گر در نظر دارد، رابطه این دو متغیر مهم «آینده‌نگری» و «خلاقیت» را سنجیده تا نتایج حاصله در جهت بهبود برنامه درسی دانشگاه‌ها و استفاده بهینه از استعدادهای دانشجویان به‌عنوان ثروت و منبع قدرت جامعه به کار گرفته شود. پژوهش حاضر در پی این است تا رابطه آینده‌نگری در برنامه درسی با خلاقیت دانشجویان را مورد بررسی قرار دهد. با بررسی و نظرسنجی از اساتید برتر گروه آموزشی این مؤلفه‌های (نوآوری، تحول‌پذیری، مدیریت، تحول‌آفرینی و بهره‌وری) بر اساس مدل نظری تدوین و پرسشنامه ساخته شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی از نوع زمینه‌یابی انجام گرفت. در این تحقیق جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد ساری در سال ۱۳۹۴، ۴۲۰۶ نفر تعیین شدند. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای نسبی برآورد گردیده که ۳۴۳ نفر است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه بوده،

افراد شامل ارزیابی افراد از خودشان به صورت احساسات مثبت و منفی و رضایت از زندگی است. بر اساس آنچه ذکر شد، ضرورت توجه به آینده و توجه به نظام آموزشی به‌عنوان تولیدکننده نیروی انسانی برای رسیدن به توسعه و آینده مطلوب امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا نظام آموزشی از روند تحولات بی‌نصیب نمانده، با چالش‌های گوناگونی مواجه شده که برای مقابله و یا همگامی با آن‌ها نیازمند فهم بهتری از آینده و کسب دانشی جدید به نام آینده‌نگری است (Wayman, 2009). آینده‌نگری، تفکری برای عمل علیه اعتقاد به سرنوشت است و تصدیق می‌کند که آینده دلیل بودن حال، چندبعدی و نامعلوم است و باید توجه داشت که آینده را باید بنا، خلق و ایجاد کرد (Ghoorchian & Salehi, 2004). بر این اساس، فناوری، محیط‌زیست، جمعیت و برابری و تعادل چشم‌اندازهایی برای آینده‌ای بهتر در جهت اهداف مشترک برای موضوعات مختلف تعلیم و تربیت هستند. درواقع جنبش آینده با هدف آشکار کمک به مشارکت در اجتماع و ثبات زیست‌محیطی نسبت به بعد فنی تعلیم و تربیت در طول چهل سال گذشته بیشتر با این هدف که دانشجویان با فرصت‌هایی بهتر در مدیریت آینده و توسعه یک آینده بهتر روبرو شوند، شکل گرفته است (2012, Lehtonen). در این راستا نگرش به آینده بر روی انگیزه دانشجویان در جهت‌گیری اهدافشان و همچنین عملکرد آنان مؤثر است. در این زمینه کارشکی گزارش نموده که آینده‌نگری بر جهت‌گیری هدف، یادگیری عمقی و سطحی، تنظیم‌گری و خودتعیین‌گری رابطه دارد (Karshki 2012). درواقع جهت‌گیری هدف یکی از زمینه‌های اصلی تحقیق در مورد انگیزه و انگیزش است و به‌طور مکرر با موفقیت در بررسی عملکرد فردی در مورد کسب مهارت و دانش هم در آموزش و هم در محیط‌های تحصیلی به کار برده شده است (VandeWalle, 2001). درواقع هدف‌مداری، نوعی چهارچوب ذهنی برای چگونگی پاسخ فردی و تفسیر شرایط دستیابی به هدف در آینده است (Yeo GB, 2005).

یافته‌های پژوهش

برای تعیین همبستگی بین آینده‌نگری و خلاقیت از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج محاسبات آماری نشان می‌دهد بین دو متغیر آینده‌نگری و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت ($r=+0/405$) وجود دارد. با توجه به این که حد معناداری $0/000$ محاسبه شده و کوچک‌تر از $\alpha=0/05$ است، لذا مقدار رابطه محاسبه شده معنادار است. بر این اساس با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد یعنی بین آینده‌نگری و خلاقیت دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. برای تعیین همبستگی بین نوآوری و خلاقیت از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج محاسبات آماری نشان می‌دهد بین دو متغیر نوآوری و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت ($r=+0/374$) وجود دارد. با توجه به این که حد معناداری $0/000$ محاسبه شده و کوچک‌تر از $\alpha=0/05$ است، لذا مقدار رابطه محاسبه شده معنادار است. بر این اساس با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد یعنی بین نوآوری و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. برای تعیین همبستگی بین تحول‌پذیری و خلاقیت از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج محاسبات آماری نشان می‌دهد بین دو متغیر تحول‌پذیری و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت ($r=+0/378$) وجود دارد. با توجه به این که حد معناداری $0/000$ محاسبه شده و کوچک‌تر از $\alpha=0/05$ است، لذا مقدار رابطه محاسبه شده معنادار است. بر این اساس با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد یعنی بین تحول‌پذیری و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. برای تعیین همبستگی بین مدیریت و خلاقیت از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج محاسبات آماری نشان می‌دهد بین دو متغیر مدیریت و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت ($r=+0/390$) وجود دارد. با توجه به

نخست پرسشنامه محقق ساخته‌ای که به منظور سنجش آینده‌نگری برنامه درسی فراهم شده است که بر اساس مقیاس نمره‌گذاری لیکرت از ۱ تا ۵ به صورت زیر تنظیم شده است: (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد). سؤالات نوآوری در برنامه درسی (۱ تا ۱۰)، سؤالات تحول‌پذیری در برنامه درسی (۱۱ تا ۲۰)، سؤالات مدیریت در برنامه درسی (۲۱ تا ۳۰)، سؤالات تحول‌آفرینی در برنامه درسی (۳۱ تا ۴۰)، سؤالات بهره‌وری در برنامه درسی (۴۱ تا ۵۰) و دوم پرسشنامه استاندارد خلاقیت تورنس (۱۹۹۲) شامل ۶۰ سؤال بسته پاسخ که جهت تعیین میزان خلاقیت دانشجویان مورد استفاده قرار گرفته است. برای محاسبه روایی پرسش‌نامه، از روایی صوری و محتوایی استفاده شد. جهت تأیید روایی صوری، پرسش‌نامه در اختیار خبرگان و اساتید علوم تربیتی قرار گرفت و از آنان نظرخواهی شد. به این ترتیب تغییراتی در نحوه نگارش، جمله‌بندی و ویرایش املائی انجام پذیرفت. در روایی محتوایی پس از شناسایی و تعیین ابعاد مربوط به متغیر از طریق مطالعه ادبیات پژوهش، پرسشنامه اولیه تهیه و در اختیار خبرگان قرار گرفت، بر اساس نظرات اصلاحی آنان اصلاحات اولیه در ابزار ایجاد گردید و با بررسی مکرر نهایی شد. پایایی سؤالات پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ $0/905$ محاسبه گردید. پایایی با روش آلفای کرونباخ برای پرسشنامه خلاقیت تورنس ۱۹۹۲ ($0/905$) و پرسشنامه آینده‌نگری در برنامه درسی ($0/890$) محاسبه شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی و استنباطی با نرم‌افزار SPSS₁₆ استفاده شده است. بخش اول شامل توزیع فراوانی، در صد فراوانی، فراوانی تجمعی، نمودارها و نیز شاخص گرایش مرکزی و پراکندگی شامل نما، میانه، میانگین و انحراف معیار و بخش دوم شامل آزمون‌های آماری پارامتریک، تی مستقل، آنوا و آزمون ناپارامتریک ضریب اسپیرمن استفاده شده است.

تأیید می‌گردد یعنی بین تحول‌آفرینی و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. برای تعیین همبستگی بین بهره‌وری و خلاقیت از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج محاسبات آماری نشان می‌دهد بین دو متغیر بهره‌وری و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت ($r=+0/288$) وجود دارد. با توجه به این‌که حد معناداری $0/000$ محاسبه شده و کوچک‌تر از $0/05 = \alpha$ است، لذا مقدار رابطه محاسبه شده معنادار است. بر این اساس با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد یعنی بین بهره‌وری و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (جدول ۱).

این‌که حد معناداری $0/000$ محاسبه شده و کوچک‌تر از $0/05 = \alpha$ است، لذا مقدار رابطه محاسبه شده معنادار است. بر این اساس با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد؛ یعنی بین مدیریت و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. برای تعیین همبستگی بین تحول‌آفرینی و خلاقیت از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج محاسبات آماری نشان می‌دهد بین دو متغیر تحول‌آفرینی و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت ($r=+0/356$) وجود دارد. با توجه به این‌که حد معناداری $0/000$ محاسبه شده و کوچک‌تر از $0/05 = \alpha$ است، لذا مقدار رابطه محاسبه شده معنادار است. بر این اساس با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض تحقیق

جدول ۱. رابطه متغیرهای پژوهش و خلاقیت با ضریب همبستگی اسپیرمن

فرضیه اصلی	متغیر	آینده‌نگری	خلاقیت
	همبستگی اسپیرمن	$0/405^{**}$	۱
	حد معناداری	$0/000$	
فرضیه اول	تعداد	۳۴۳	
	متغیر	نوآوری	خلاقیت
	همبستگی اسپیرمن	$0/374^{**}$	۱
فرضیه دوم	حد معناداری	$0/000$	
	تعداد	۳۴۳	
	متغیر	تحول‌پذیری	خلاقیت
فرضیه سوم	همبستگی اسپیرمن	$0/378^{**}$	۱
	حد معناداری	$0/000$	
	تعداد	۳۴۳	
فرضیه چهارم	متغیر	مدیریت	خلاقیت
	همبستگی اسپیرمن	$0/390^{**}$	۱
	حد معناداری	$0/000$	
فرضیه پنجم	تعداد	۳۴۳	
	متغیر	تحول‌آفرینی	خلاقیت
	همبستگی اسپیرمن	$0/356^{**}$	۱
فرضیه پنجم	حد معناداری	$0/000$	
	تعداد	۳۴۳	
	متغیر	بهره‌وری	خلاقیت
فرضیه پنجم	همبستگی اسپیرمن	$0/288^{**}$	۱
	حد معناداری	$0/000$	
	تعداد	۳۴۳	

مقایسه نمرات دو گروه زن و مرد از آزمون پارامتریکی مستقل استفاده شده است.

برای بررسی خلاقیت دانشجویان بر اساس مؤلفه‌های جمعیت‌شناسی به شرح زیر اقدام شده است:
الف) خلاقیت دانشجویان زن و مرد متفاوت است. با توجه به نرمال بودن نمرات خلاقیت دانشجویان، برای

جدول ۲. مقایسه میانگین دو گروه زن و مرد

مؤلفه‌های تحقیق	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
مرد	۱۷۷	۸۰/۷۶	۱۲/۹۲۵	۰/۹۷۱
جنسیت زن	۱۶۶	۷۹/۱۴	۱۵/۱۰۸	۱/۱۷۳

جدول ۳. آزمونی مستقل بین دو گروه دانشجویان زن و مرد

آزمون لون		آزمونی مستقل							مؤلفه تحقیق
F	معناداری	t آماره	درجه آزادی	معناداری	اختلاف میانگین	اختلاف انحراف استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	حد پایین	حد بالا
۱/۳۵۸	۰/۲۴۵	۱/۰۷۲	۳۴۱	۰/۲۸۵	۱/۶۲	۱/۵۲	-۱/۳۶	۴/۶۰	جنسیت

می‌گردد یعنی بین نظرات دانشجویان مرد و زن از خلاقیت تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.
ب) خلاقیت دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد متفاوت است. برای آزمودن این متغیر، میانگین نمرات خلاقیت دانشجویان شاغل به تحصیل در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد با یکدیگر مقایسه شد. برای این منظور از آزمون پارامتریکی مستقل استفاده شده است.

میانگین نمرات گروه اول مردان ۸۰/۷۶ و میانگین نمرات گروه زنان ۷۹/۱۴ محاسبه شده است. حد معناداری در آزمون همسانی واریانس‌ها ۰/۲۴۵ محاسبه شده است که بیشتر از ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد واریانس‌ها با یکدیگر همسان‌اند. با توجه به برابری واریانس‌ها و با مقدار آماره $t = 1,072$ و درجه آزادی $df = 341$ ، حد معناداری ۰/۲۸۵ محاسبه شده که چون این مقدار بزرگ‌تر از $\alpha = 0,05$ است، لذا با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر تأیید و فرض خلاف رد

جدول ۴. مقایسه میانگین دو گروه کارشناسی و کارشناسی ارشد

مؤلفه‌های تحقیق	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
کارشناسی	۲۰۱	۷۸/۴۹	۱۴/۸۷	۱/۰۴۹
سطح تحصیلات کارشناسی ارشد	۱۴۲	۸۲/۰۸	۱۲/۴۹	۱/۰۴۸

جدول ۵. آزمونی مستقل بین دو گروه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد

آزمون لون		آزمونی مستقل						
مؤلفه تحقیق	F	معناداری	t آماره	درجه آزادی	معناداری	اختلاف میانگین	اختلاف انحراف استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
سطح تحصیلات	۱/۶۹	۰/۱۹۵	-۲/۳۵۵	۳۴۱	۰/۰۱۹	-۳/۵۹	۱/۵۳	حد پایین -۶/۶۰ حد بالا -۰/۵۹

ج) خلاقیت دانشجویان بر حسب سن متفاوت است. برای این منظور دانشجویان به سه گروه سنی تقسیم شده‌اند. دسته اول دانشجویانی که تا ۲۵ سال سن دارند، دسته دوم ۲۶-۳۵ سال و دسته سوم دانشجویان بالاتر از ۳۵ سال هستند. برای مقایسه نمرات خلاقیت این سه گروه از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون آماره $F=1/305$ و درجه آزادی $df_B=2$ و $df_w=340$ حد معناداری ۰,۲۷۲ محاسبه شده که بزرگ‌تر از $\alpha=0/05$ است، لذا با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌گردد؛ به عبارت دیگر بین دانشجویان رده‌های سنی مختلف تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

میانگین نمرات گروه کارشناسی ۷۸/۴۹ و میانگین نمرات گروه ارشد ۸۲/۰۸ محاسبه شده است. حد معناداری در آزمون همسانی واریانس‌ها ۰/۱۹۵ محاسبه شده است که بیشتر از ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد واریانس‌ها با یکدیگر همسان‌اند. با توجه به برابری واریانس‌ها و مقدار آماره $t=-2/355$ و درجه آزادی $df=341$ حد معناداری ۰/۰۱۹ محاسبه شده که چون این مقدار کوچک‌تر از $\alpha=0/05$ است، لذا با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید می‌گردد یعنی بین نمرات خلاقیت دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری مشاهده می‌شود؛ به عبارت دیگر میانگین نمرات خلاقیت سطح کارشناسی ارشد بالاتر برآورد شده است.

جدول ۶. آزمون آنوا

مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	آماره F	حد معناداری
۵۱۲/۷۰۹	۲	۲۵۶/۳۵۴	۱/۳۰۵	۰/۲۷۲
۶۶۷۳/۱۰۵	۳۴۰	۱۹۶/۳۹۱		
۶۷۲۸۵/۸۱۳	۳۴۲			
جمع				

د) خلاقیت دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی متفاوت است. دانشجویان شرکت‌کننده در تحقیق از رشته‌های حقوق، علوم تربیتی، روانشناسی، علوم اجتماعی، تربیت‌بدنی، ادبیات، معارف، تاریخ و حسابداری می‌باشند. میانگین نمرات خلاقیت هر کدام از این نه گروه به کمک آزمون آنوا با یکدیگر مقایسه شده است. نتایج این آزمون نشان داده است با محاسبه آماره $F=1/244$ و درجه آزادی $df_B=8$ و $df_w=334$ حد معناداری ۰/۲۷۲ است که چون بیشتر از $\alpha=0/05$ است، لذا با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود یعنی بین نمرات خلاقیت دانشجویان رشته‌های مختلف، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

نتایج این آزمون نشان داده است با محاسبه آماره $F=1/244$ و درجه آزادی $df_B=8$ و $df_w=334$ حد معناداری ۰/۲۷۲ است که چون بیشتر از $\alpha=0/05$ است، لذا با سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود یعنی بین نمرات خلاقیت دانشجویان رشته‌های مختلف، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۷. آزمون آنوا

مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	آماره F	حدمعاداری
بین گروهی	۸	۲۴۳/۴۰۱		
درون گروهی	۳۳۴	۱۹۵/۶۲۵	۱/۲۴۴	۰/۲۷۲
جمع	۳۴۲			

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که وجود خصیصه آینده‌نگری در برنامه درسی می‌تواند تأثیر مثبتی بر روی خلاقیت دانشجویان گذاشته و فرد با واری کردن، ابداع و یا کشف کردن توان شناسایی محیط را کسب نموده و با آگاهی از قوت و ضعف‌ها، همچنین فرصت و تهدیدها قادر می‌گردد تا جهت‌گیری مشخصی نسبت به زندگی و اهداف موردنظر خود کسب نماید و متناسب با مقتضیات محیطی با جهت‌گیری مناسب به عملکرد مطلوب دست یابد. در واقع فرد با اتخاذ چنین موضعی با اعتماد بیشتری نسبت به آینده فعالیت می‌کند و این عمل بر میزان علاقه‌مندی، امید، هیجان و افتخارات وی می‌افزاید؛ بنابراین در این پژوهش تلاش شد تا وضعیت آینده‌نگری برنامه درسی را با توجه به خلاقیت در دانشجویان دانشگاه آزاد ساری مورد بررسی قرار گیرد. در واقع نگرش و تمایل به شناخت و پیش‌بینی آینده اهمیت زیادی دارد، زیرا دانشجویان با برنامه‌ریزی مناسب، چشم‌انداز روشنی از آینده را ترسیم نموده و با قدرت تعمق و ژرف‌نگری و همچنین داشتن خلاقیت و انجام مطالعه و تحقیق پیگیر، موفق به عملکرد تحصیلی بالایی در رشته تحصیلی خود می‌گردند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه اصلی نشان داد که بین دو متغیر آینده‌نگری و خلاقیت و نیز بهره‌وری و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نوه ابراهیم و تندیس (Navehebrahim & Tandiseh, 2008) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین آینده‌نگری و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج

حاصل از فرضیه اول نشان داد که بین دو متغیر نوآوری و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی بین نوآوری و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نوآوری نقش انکارناپذیری در افزایش مهارت‌ها و بروز استعدادها در دانشجویان داشته و برنامه‌ریزان با ایجاد نوآوری در برنامه درسی می‌توانند سد محکمی که در مقابل توسعه خلاقیت را از بین ببرند تا در شرایط جدید خلاقیت ارتقاء پیدا کرده و امکان بروز استعدادهای بالقوه و ایمنی روان‌شناختی برای انجام فعالیت‌های خلاق در دانشجویان فراهم سازند تا از این طریق شاهد پیشرفت جامعه خویش باشند. تحقیقات ضرغامی و جعفری (Zarghami & Jafari, 2012) نیز با این یافته‌ها همسو است. همچنین نگرش نسبت به آینده موجب رشد مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌های فردی می‌گردد و در نتیجه شناسایی آینده احتمالی عملکرد موفق فرد را به دنبال دارد. نتایج حاصل از فرضیه دوم نشان داد که بین دو متغیر تحول‌پذیری و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت وجود دارد. نظام آموزشی کشور در شرایط کنونی با ضعف‌هایی مواجه است که ضرورت انجام اصلاحات و ایجاد تحول در آن را اجتناب‌ناپذیر کرده است. بدین منظور باید نظام آموزشی را متحول ساخت و با اعتلای سطح کیفیت، ایجاد عدالت آموزشی و پرورش خلاقیت در دانشجویان آن‌ها را برای یک زندگی تعالی‌جویانه و ساختن آینده‌ای بهتر هدایت کرد. حیدری (Heidari, 2009) و خسروی (Khosravi, 2006) نیز در تحقیق خود به نتیجه مشابه رسیدند. نتایج حاصل از فرضیه سوم نشان داد که بین دو متغیر مدیریت و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت وجود دارد. مدیریت در برنامه درسی می‌تواند از مهم‌ترین عوامل موفقیت

راهبرد انتخابی و دستیابی اهداف و رسالت‌ها باشد. به‌طور کلی برنامه‌ریزی در تمام سطوح آموزشی به‌خصوص آموزش عالی، مستلزم داشتن اندیشه خلاق، ارائه ابتکارات جدید و ورزیدگی و مهارت به کار بردن منابع و عوامل متعدد و در یک سخن، یک مدیریت صحیح است. تابلی (Tabli, 2011) و حیدری (Heidari, 2009) نیز در تحقیق خود به نتیجه مشابه با تحقیق حاضر رسیدند. آینده‌نگری در برنامه درسی در تلاش برای افزایش توانایی، خلاقیت و علاقه دانشجویان نسبت به برنامه درسی بوده و از فناوری‌های جدید استقبال می‌نماید و با تعمق و ژرف‌نگری تسلط لازم را بر برنامه درسی به دست می‌آورد. نتایج حاصل از فرضیه چهارم نشان داد که بین دو متغیر تحول‌آفرینی و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت وجود دارد. در برنامه درسی آنچه مورد نظر است رشد شخصی و فردی در ابعاد معنوی و جسمی و روانی، شایستگی‌های اجتماعی و حرفه‌ای بر اساس اخلاق و شأن و منزلت انسانی و ایجاد مهارت‌های یادگیری مستمر و مداوم به‌منظور انطباق دانش دانشجویان، با آخرین تحولات علمی روز است تا دانشجویان بتوانند خلاق باشند و خلاقانه بیندیشند، تحول بیافرینند و به دنبال ایده‌های جدید و نو باشند. حیدری (Heidari, 2009) و عطاران (Attaran, 2007) نیز در تحقیق خود به این همین نتیجه رسیدند. نتایج حاصل از فرضیه پنجم نشان داد که بین دو متغیر بهره‌وری و خلاقیت رابطه همبستگی مثبت وجود دارد. آموزش عالی می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری هدفمند در رشد و توسعه حرفه‌ای نیروی انسانی خود، گام‌های مؤثری در جهت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی بردارد و باید بتواند با آموزش بهتر و باکیفیت‌تر، کیفیت و بهره‌وری نیروی کار را در آینده افزایش دهد و با هدف قرار دادن انگیزه و روحیه خلاقانه در دانشجویان، توسعه مهارت‌ها، برنامه‌ریزی برای بهره‌وری و مدیریت مشارکتی یک برنامه پویا و اثرگذار را برای آموزش عالی به اجرا درآورد. تحقیقات حقیقت‌جو

(Haghighatjo, 2008) و خورشیدی (-) (Khorshidi, 2007) نیز با تحقیق حاضر همسو است. نتایج حاصل از فرضیه ششم نشان داد از نظر خلاقیت بین دانشجویان مرد و زن تفاوت معناداری مشاهده نشده است. به تفکیک سطح تحصیلات، بین نمرات دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری مشاهده شده است؛ به عبارت دیگر میانگین نمرات خلاقیت سطح کارشناسی ارشد بالاتر برآورد شده است. به تفکیک سن، بین دانشجویان رده‌های سنی مختلف تفاوت معناداری مشاهده نشده است. به تفکیک رشته تحصیلی، بین نمرات خلاقیت دانشجویان رشته‌های مختلف، تفاوت معنادار مشاهده نشده است. رشیدی و شهرآرای (Rashidi & Shararay, 2011) و میرداوودی (Mirdavoodi, 2009) نیز در تحقیق خود به همین نتایج دست پیدا کرده‌اند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود تا در برنامه درسی دانشگاه‌ها، دانشجویان را با مسائل درگیر کرد تا به توسعه دانش و مهارت‌هایی منجر شود که دانشجویان بتوانند در رشته‌های تخصصی‌شان ایده‌هایی مطرح کنند و ارتباط آن را با کاربرد در محیط اجتماعی‌شان بیابند و برای به کار بردن ایده‌ها و آموخته‌هایشان در جهان واقعی، راه کار ارائه دهند و در محیط کاری آینده رقابت کنند. پیشنهاد می‌شود از آنجایی که نظام آموزشی کشور در شرایط کنونی با ضعف‌های ساختاری، مدیریتی، نظارتی و اقتصادی زیادی مواجه است و این امر ضرورت انجام اصلاحات و ایجاد تحول در نظام آموزشی کشور را اجتناب‌ناپذیر نموده است. پس چه بهتر که این تحولات از مقاطع اولیه آموزش آغاز و تا نظام آموزش عالی تداوم داشته باشد. از آنجایی که در کشور ما بخش اعظم اجرای یک برنامه درسی به عهده مدیران و مسئولان بخش‌های آموزشی است پیشنهاد می‌شود که از مدیران آموزشی شایسته و آگاه آن‌هایی که توانایی آن را دارند که با بهره‌گیری از استعدادهای درونی، دانش تخصص و تجربه‌های شخصی خود، هدف‌های سازمان را با

منابع

- Aghaee, Ali. (2011). *Futurism in education*. Mashhad, Astan Quds Razavi, Co. Publishing.
- Bereter, W. (2011). Foresight and implications of curriculum, *Journal of Foresight Management* Vol.3, PP: 1224- 1236.
- Cornish, E. (1997). *The study of the future*: Washington, D.C.: World Future Society.
- Fadaeezadeh, A. (2010). *Scenarios, the best tool to face the future*. Tehran: Wahid Institute. [Persian].
- Fathi Vajargah, K. (2008). *Futurism organization based educational programs*. Sixth edition. Tehran: Aeej. [Persian].
- Fiuzat, Y. (2011). *Fundamentals of educational planning*. Tehran: Publication editing. [Persian].
- Garsia & Muralz, (2010). The impact on innovation and performance management in curriculum and educational organizations, *European Journal of Innovation Management*, Vol. 11, No. 2, pp.160-181.
- Ghoorchian N; Salehi M. [Designing a model for institutionalizing futures at Islamic Azad University, *Research in Curriculum*, 2004; 2: 22-1. [Persian]
- Hamidzada, Mohammad S. (2008). *Futurism organization based educational programs*. Master's thesis, Educational Administration, University of Ahvaz. [Persian].
- Hamidzada, MS, Fathi Vajargah, K. (2009). *Futurism organization based educational programs, publications, scientific research, medical education strategies*, Volume 2, Issue 1, pages 15-16. [Persian].
- Heidari, Mohammad Hossein (2008). *The relationship between management and the creative faculty of the University of Isfahan*. Master's dissertation, Administration, University of Isfahan. [Persian].
- Heydari, Hamid (2009). *Prospective education*. Master's thesis, psychology, University of Ahvaz. [Persian].
- Hickson & Baltimor, (2010), *Management of the university curriculum*. Vol. 32, No. 3, PP: 801-813.
- Hosseini-Nasab et al. (2009). *Examine the relationship between demographic components and creativity of the students at Yazd University and a Master's thesis*. [Persian].
- به‌کارگیری منابع کمتر به‌گونه‌ای برتر تحقق بخشند استفاده شود. از نکات ضعف نظام آموزشی کشور، آموزش بخش عظیمی از مطالب به‌صورت صرفاً تئوری است که منجر به عدم آشنایی فراگیر با نحوه کاربرد در زندگی واقعی خود می‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که به‌منظور کاسته شدن فاصله علم و عمل سیستم آموزشی قدم‌های مؤثری در جهت کاربردی کردن دروس و مطالب آموزشی خود بردارد. خلاقیت و آفرینندگی امری است که باید آموزش داده شود. از آنجایی که نظام آموزشی موجود، قدرت خلاقیت را در فرد با تفکر صرفاً همگرا بار می‌آورد در صورتی که می‌توان در کنار تفکر همگرا با فن‌ها و روش‌های مناسب تفکر واگرا (لازمه کار خلاقانه) را هم به افراد آموزش داد. نکته پیشنهادی این است که اگر آموزش و پرورش یا آموزش عالی در پی داشتن جامعه‌ای پیشرفته با افراد خلاق است. ناگزیر به گنجانیدن چنین برنامه‌ای در محتوی مطالب آموزش و پرورش خود است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که ساختن دورنمایی از آینده به‌صورت واقع‌بینانه گام مهمی در موفقیت تحصیلی و حرفه‌ای دانشجویان است، زیرا دانشجویان با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مناسب و اتخاذ اهداف مبتنی بر علایق و توانایی خود عملکرد شایسته‌ای به ارمغان خواهند آورد. در این راستا پیش‌بینی آینده توسط فرد باعث ایجاد زمینه معنی‌دار برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی می‌شود. در واقع افرادی که به‌سوی آینده جهت‌گیری مناسبی دارند در تلاش هستند تا با تأخیر لذات زودگذر، به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مناسب کارها و تنظیم اهداف پرداخته و برای دستیابی به اهداف بلندمدت تلاش کنند. انجام موارد فوق منجر به ارائه دیدگاه و عملکرد مثبت در دانشجویان از جمله پیشرفت تحصیلی شده و نهایتاً خودشکوفایی آنان را به ارمغان می‌آورد، زیرا در آینده‌نگری فرد توانایی پیش‌بینی چند گام بعدتر را دارد و از روبرو شدن با ناشناخته‌ها استقبال می‌کند.

- Karshki H. Mohseni N. Motivation in learning and teaching. Tehran: Sound of Light, 2012. [Persian]
- Kaya H, Bodur G, Yalniz N. The relationship between high school students' attitudes toward future and subjective well-being. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 2014; 116: 3869 – 3873.
- Khazayi, M. (2008). public Management. First Edition. Tehran: Reed Publishing. [Persian].
- Lehtonen A. Future thinking and learning in improvisation and a collaborative devised theatre project within primary school students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 2012; 45:104–113.
- Make. Sonmi, (2010). The effect of training expedition on students, *Journal of Futuring*. no 12, pp 67_72.
- Mehrmohammadi, M. (2009). Organizational change management. Tehran: Publication side. [Persian].
- Mirza Aghafishani, Timor (1998). Creativity and innovation in people and organizations. Tehran: cashmere. [Persian].
- Mo'ayyeri, MH (2006). ABC futures. Tehran: Institute of Industry and Technology. [Persian].
- Molamohseny, R. (2012). And the foresight of the future. *Journal of Futures Studies Professional Studies*, the first year (2). [Persian].
- Rashid Ismail, Shahraray, M. (2011). The relationship between creativity and innovative projects in the city Neyriz training, master's thesis. [Persian].
- Renzuli, D & Reis Niu, (2010), Evaluation of environmental impacts and individual creativity of students, "European journal of innovation management: 6(13). pp 4717-427.
- Saif, Ali Akbar (2007). Modern educational psychology. Tehran: PNU. [Persian].
- Sam Khanian, R. (2009). The role of futures studies in the curriculum. Master's Thesis, Science Education University of Mashhad. [Persian].
- Taboli, Hamid, Hidayatullah, Tirgar. (2011). The relationship between management and Creativity of employees in government agencies Neyriz city, a Master's thesis. [Persian].
- VandeWalle D. Goal orientation: Why wanting to look successful doesn't always lead to success. *Organizational Dynamics* 2001; 30, (2):162-171.
- Wayman S. The Handbook of sustainable literacy: Skills for a changing world. Dartington: Green Books. 2009.
- Yeo GB, Neal A. A multilevel analysis of effort, practice, and performance: Effects of ability, conscientiousness, and goal orientation. *Journal of Applied Psychology* 2005; 89, (2): 231-247.
- Zarghami, Hamid Jafar Mustafa, Muslim Treaty (2013). The relationship between creativity and motivation for innovation in research organizations: a case study in the Institute of Intelligent Signal Processing, Systems Management and efficiency Snay-engineering doctoral dissertation University of Science and Technology. [Persian].